

# استدراج و

به بن بست رسیدن نیروی جهانسوز نمونه ای از مکر الهی \* کلام تحلیلی پروفیسور هال عضو هیئت مدیره بررسیهای بین المللی ژنو \* محدود بودن امکان استفاده از سلاحهای اتمی \* یک اصل منطقی: کلی بودن جنگ با محدود بودن سلاح و نامحدود بودن سلاح با محدود بودن جنگ، دلیل موضوع را از تنازع و جدال طبیعت باید جست \* مهره داران محروم از سلاح نابود کننده از منتهای قدرت در نزاع بهره می گیرند، ولی مهره دارانی که سلاح کشنده دارند هرگز در منازعه میان خود از آن استفاده نمی کنند مانند دو افعی نر که در منازعه میان خود اینطورند، این خاصیت پس از ایجاد قدرت اتمی در میان ابر قدرتها رائج شده

\* در وقایع برلن، امریکا و شوروی درست مانند دو افعی در کنار هم از نیش اتم استفاده نکردند و این روزها هم در اجلاس ژنو.. \* جنگ عقیدتی خطرناک و نباید به آن میدان داد! \* تحلیلی در این تحلیل که جنگ پروان شریعت تا رفع فتنه و استقرار جهانشمولی حکومت «الله» ادامه دارد \* زبان امیرالمؤمنین علیه السلام ایرانیان را به حکماء کرماء توصیف فرموده هم اکنون تاویل حدیث رسول الله: «لو كان الايمان بالثريا لنا له رجال من فارس» در ایران پدیدار است \* سرنوشت دجال یک چشم عراق و مرتجعین همکارش همانند سرنوشت خلفاء اموی نامسلمان بدست ایرانی و التبار انقراض می پذیرد.

آذرماه سال ۱۳۶۶ خورشیدی نظرم را جلب نمود، و موجب ارائه مقاله کنونی شد، عنوان گزارش مذکور از اجلاس دو روزه سران آمریکا و شوروی در ژنو با خط درشت چنین بوده:

«ریگان: تنها از طریق تهدید به نابودی یکدیگر می توان صلح را حفظ کرد!»

از آنجا که این به بن بست رسیدن قدرت ابر قدرتها یک نمونه روشن از مکر خیرالماکرین بوده، مناسب دیدم که تلخیصی از مقاله گرانبها و تحلیلی از پروفیسور لوتیز-ج-هال، عضو هیئت

در گفتار پیش روشن شد که حقیقت مکر، منصرف و ناکام نمودن صاحب مقصدی، از مقصدش با نیرنگ و فریب، بنحوی که آگاه نگردد، منتهی اگر چنین عملی بداعی و انگیزه نیکویی انجام پذیرد، مکاری است نیکو، بویژه اگر در طریق نظام خیر و احسن آفرینش واقع شود که مکاری است بهتر و ماکر آن، خیرالماکرین است و ابتلاء جهان نورا به این سنت الهی، برای نمونه و مصداق ذکر نمودم، و در حدود مجال توضیح دادم. در این میان گزارشی در روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه سوم

# مکری ظریف!

همانگونه که این ملت عظیم که عظمت یافت و شکست و شادی و مصیبت و اندیشه و تاریخ آن آمیخته است، برخلافی.

ناسلمان ادوی شوریدند و اسلام را تمام کرده و از دست خویش را بختیاه با کس

دجال یک چشم عراق را با همه بازماندگان ادوی ناسلمان از

مکتوبه

جولوگیری از اختراع سلاح اتمی و یا از بین بردن آن نبوده بلکه عبارت از این بوده که چگونه باید با این سلاح زندگی کرد و این مسئله هنوز هم باقی است.

یکی از دلایل اینکه تصور می شد ادامه بقای بشر موقوف به از بین بردن سلاح اتمی است، آن بود که تصور می شد این سلاح در جنگ جدید حتما مورد استفاده قرار خواهد گرفت زیرا طرفین متخاصم از بکار بردن هر نوع وسیله قدرت برای حصول پیروزی خودداری نخواهند نمود.

خوشبختانه این پیش بینی هم درست نبود، و در چندین جنگی که بعد از اختراع سلاح اتمی بوقوع پیوسته، این سلاح مورد استفاده قرار نگرفته، و ضمنا هیچکدام از آنها هم حتی به اندازه جنگ دوم، کلی و جهانگیر نبوده اند.

سلاح اتمی عملا تا حدی که تصور می شد قابل استفاده نیست، تا وقتی که تجربه کافی بدست نیامده بود ممکن بود که یک استدلال ساده و مبهم را قبول کرد که مثلا کشوری که دارای بمب اتمی است اگر بر سر مسئله ای مانند کانال سوئز با کشور دیگری اختلاف پیدا کند برای احتراز از شکست، کشور طرف را با بمباران اتمی نابود، و یا با پنهان کردن بمب در شهرهای عمده آن و تهدید به انفجار آنها، کشور مورد نظر را وادار به تسلیم کند، اما امروز می بینیم که این سلاح به دلایل مختلف از نظر استعمال محدودیتهای زیادی دارد، علیهذا درس اولی که عصر اتم به ما می آموزد این است که امکان استفاده از سلاح اتمی بسیار محدود است، و این محدودیت حتی به اندازه ای است که گاهی مثل این است که این سلاح اصلا وجود ندارد. وقتی که ملت ها نتوانند از قوی ترین سلاح خود استفاده کنند، پس به یک جنگ کلی دست نخواهند زد.

مدیره مؤسسه بررسیهای بین المللی ژنورا که در حدود شانزده سال قبل، نوشته و انتشار یافته است، عرضه بدارم:

«قدرت سلاحهای جنگی که قرنها با تصاعد جبری بالا می رفت در ساعت ۵/۳۰ روز ۱۷ جولای ۱۹۴۵ جهشی فوق العاده و ناگهانی و بمبسی کمدر (آلانوگوردو) متفجر شد، قدرتی معادل دو هزار برابر بر قدرت ترین بمب تاریخ جنگ تا آزمان داشت.

اولین اثری که این سلاح برجای گذاشت این بود که نسل حاضر از سرنوشت بشر بیمناک گردید زیرا این سلاح قادر بود که شهری را در یک چشم برهم زدن نابود ساخته و ضمنا امکان داشته که در یک کارگاه کوچک هم ساخته شده و یک دیوانه هم بتواند آن را در جیب خود حمل نماید.

گزارشات و نظریاتی که علماء مخترع این سلاح می دادند، حاکی از این بود که اگر این نیروی منهدم کننده از فهرست سلاحهای نظامی حذف نشود، حیات و بقای بشر، آینده درخشانی ندارد، این عقیده گرچه در ابتداء عمومیت یافت ولی پس از گذشت ۲۲ سال می بینیم که آنقدرها هم درست نبوده و با اینکه بمب های اتمی هزاران برابر قویتر شده اند و حتی چندین جنگ هم در این مدت بوقوع پیوسته، بشر هنوز در کنار تسلیحات اتمی بزندگی معمولی خود ادامه می دهد.

استنتاج کلی از این پیش بینی های فوق این بود که هرگونه کنترل سلاحهای اتمی ایجاب می کرد که ملتها از قسمتی از استقلال خود صرف نظر کرده و خود را به یک حکومت جهانی که انحصار قدرت اتمی را در دست داشته باشد و آن را تنها در راه مقاصد صلح جویانه بکار برد، تسلیم نماید، و اقداماتی هم در راه وصول به هدف بعمل آمد، ولی امروزه درباره یک نکته اطمینان داریم و آن این است که مسئله اصلی از همان ابتداء

## استدراج و مکری ...

این موضوع با یک اصل منطقی هم تطبیق می‌کند، یعنی اگر کلی شدن جنگ با محدود بودن سلاح توافق داشته باشد نامحدود بودن سلاح خود ایجاد می‌کند که جنگها بصورت محدود درآیند. این اصل در نوشتجات دکتر لورنزو دکتر ایبل مورد بحث قرار گرفته و اشاره می‌کنند که جنگ و نزاع بین مهره داران هرگز به مرگ منجر نشده و حتی کمتر اتفاق می‌افتد که بصدمه جدی بیکی از طرفین هم منجر شود. دلیل موضوع این است که در حالی که انواعی از مهره داران مانند کبوتر و غیره که سلاح کشنده‌ای ندارند، ممکن است از منتهای قدرت خود در نزاع استفاده کنند، انواع دیگر که دارای سلاح کشنده هستند، هرگز بجنگ کلی دست نمی‌زنند. مثلاً: افعی‌های نر که می‌توانند همدیگر را با یک نیش بکشند، هرگز در منازعه از نیش خود استفاده نمی‌کنند. دکتر ایبل می‌نویسد که:

«دو افعی که در کنار هم لغزیده و یک سوم از قسمت جلوبدن خود را بهوا بلند می‌کنند، سپس سعی می‌کنند با فشار سر یکدیگر را به زمین بخوابانند، ماری که در این مبارزه پیروز می‌شود لحظه‌ای با فشار وزن خود مار دیگر را در زمین نگاهداشته و سپس مار باز مانده بدون اینکه آسیبی بیندازمیدان فرار می‌کند. این خاصیت پس از ایجاد قدرت اتمی در روابط ملتها هم رایج شده است. ایالات متحده آمریکا و روسیه با اینکه توانائی انهدام همدیگر را داشته‌اند معهداً در منازعات و درگیریهای عمده خود از بکار بردن قدرت نهائی خودداری کرده‌اند و این روشی است که هرگز در تاریخ گذشته نظیر نداشته است.»

در وقایع برلن در ۴۹-۱۹۴۸ و ۵۹-۱۹۵۸ و مجدداً در ۱۹۶۱ مقابله آمریکا و روسیه درست شهادت به دو افعی داشت که فشار را با سر وارد کرده و هرگز از نیش استفاده نکرده‌اند. (و این روزها هم در اجلاس ژنو...)

تشابه بین روش ملتها و مهره داران یک تشابه مجازی نیست بلکه هر دو از یک منطق اساسی پیروی می‌کنند. فلسفه تنازع بقاء یک روش محافظه کارانه در افعی بر جای گذاشته که اگر

بر خلاف آن رفتار کند نسل خود را بانقراض خواهد کشانید، و روش محافظه کاری هم که در ملتها دیده می‌شود از همان علاقه بعدم انقراض نسل بشر سرچشمه می‌گیرد. عملاً تنها استفاده‌ای که از سلاح اتمی بعمل آمده در یک جنگ کلی بوده که خود قبل از ایجاد سلاح اتمی جریان داشته و در زمانی شروع شده بود که دست زدن به یک جنگ کلی عملی بوده.

علیهذا به این نتیجه می‌رسیم که: استفاده از سلاح اتمی در عصر حاضر عملی نبوده و بنابراین جنگ‌های این عصر از نوع محدود خواهند بود. البته مفهوم نهائی این نظریه آن نیست که سلاح اتمی نمی‌تواند بعنوان یک عامل باز دارنده و یا وسیله اعمال قدرت در دیپلماسی بکار رود، گرچه اطمینان کاملی هم به اینکه جنگ‌ها حتماً محدود باشند وجود ندارد، و همیشه امکان دارد که یکی از رهبران، جانب عقل و احتیاط را از دست داده و جریان امور از کنترل دیپلماسی خارج شود.

یکی از نتایج بحث بالا این است که در جنگ محدود باید دخالت ایدئولوژی را بحداقل رسانید زیرا هدف نهائی دشمنان ایدئولوژی یکی یک هدف کلی است و اگر جنگ‌های ایدئولوژی یکی هم محدود نمانده شوند عملاً اصطلاح غلطی که مغایر با طبیعت موضوع است بکار برده شده است.

و از طرفی هم اگر موضوع محاصمه از جنبه استراتژی یکی به ایدئولوژی تبدیل شود امکان برقراری ارتباط و رسیدن بتفاهم بین طرفین از بین خواهد رفت. باید دائماً افکار خود را برای جلوگیری از وقوع آن تنظیم و کلیه اقدامات ممکن را بعمل آوریم.»

پایان تلخیص مقاله پروفیسور لویتر - سی - هال.

این به بن بست رسیدن نیروی جهانسوز ابرقدرتهای متخاصم، و بجا ماندن روش محافظه کاری از مورت تنازع بقاء - به پندار پروفیسور هال - مکرری است لطیف، و کیدی است ظریف که فضل و منت خداوند متعال ابر جهانیان، آن را وسیله حفظ کره زمین از فساد و نابودی قرار داده است، و همین مکر لطیف است که در آیه ۲۵۱ از سوره مبارکه بقره به آن اشاره فرموده است: «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل علی العالمین» - اگر نه این بود که خداوند بعضی از مردم را ببعضی دیگر دفع می‌کرد، هر آینه زمین تباه می‌گردید، ولی

خداوند ذوفضل بر جهانیان است. آنچه که بیشتر از همه تحلیل‌ها در مقاله این پروفیسور، جالب و اندیشه‌انگیز است، توصیه‌وی، بهمپالکیهای خویش از ابر قدرت‌ها است، که از میدان دادن، به ایدئولوژی و عقیده در جنگ، ممانعت بعمل آورند، زیرا هدف نهانی دشمنان ایدئولوژیکی، یک هدف کلی است!

انصافاً که این فقره از تحلیل‌وی، تحلیلی است نورانی که از صخره ظلمت کفر برخاسته است. بلی! اینطور است، هدف نهانی دشمنان ایدئولوژیکی، بمعنای پیروان مکتب انبیاء صلوات الله علیهم، یک هدف کلی و گسترده است و آن جهان شعولی حکومت «الله» است، و جنگ و قتال را ادامه می‌دهند تا آنکه فتنه و شیطنت از روی زمین نابود شود، و تمام حکومت از آن «الله» گردد. «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و یکون الدین کله لله» سوره انفال آیه ۳۹، که امروز خاستگاه این حقیقت ربانی، مردم والا تبار ایرانند که زبان عصمت متکرراً از آنان بعظمت یاد کرده است.

از آنجمله است، هنگامی که خلیفه دوم سوء قصد بعضی از ایرانی‌ها داشت، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هؤلاء الفرس حکماء کرماء» - این فارسیان، حکماء و بزرگوارانند. و در صحاح برادران اهل سنت آمده که بعد از نزول آیه: «و آخرین منهم» در سوره جمعه بعضی از صحابه عرض کردند: یا رسول الله! اینها چه کسانی هستند؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جواب نفرمودند، ولی سؤال کننده اصرار نمود، رسول الله صلی الله علیه و آله بر سلمان فارسی دست نهاد سپس فرمودند: «لو کان الایمان بالشریا لنالہ رجال من هؤلاء» - یعنی اگر ایمان در ثریا و آسمان باشد و از دسترس عموم دور شود، مردانی از این طائفه به آن دست می‌یابند.

من مطمئنم که تاویل این نبأ عظیم نبوی صلوات الله علیه و علی آله همین امروز و این عصر است که ایمان بمعنی الکلمه سالهای متمادی از دسترس عموم دور گردیده چنانکه گوئی در مجموعه ستارگان پروین و ثریا قرار گرفته و دستها از نیل به آن کوتاه بوده‌اند که برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد و این حکماء و کریمان جانبخش و جوانبخش فی سبیل الله به رهبری جان جهان حضرت روح الله روحی فداه، ایمان را از تبعیدگاه ثریا و پروین برگرداندند و زیر مقدمش قربانیها داده و میدهند، و

همانگونه که این ملت عظیم که عظمت با فتح و شکست و شادی و مصیبت و اندیشه و تاریخ آن آمیخته است، برخلافی نامسلان اموی شوریدند و اسلام را از اتهام تبرئه نمودند و ضرب دست خویش را بخلفاء ناکس عباسی چشاندند، همچنان دجال یک چشم عراق را با همه بازماندگان اموی نامسلان از منطقه جاروب خواهند نمود و اخوت اسلامی - این نعمت الهی - را با تایید الهی زنده می‌کنند و شعار: کلکم لادم و آدم من تراب «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» و «لبس لعربی علی اعجمی فضل الا بالتقوی»<sup>۳</sup> را بفضل خداوند منان از نوجبهاتگیری می‌کنند.

توای ایرانی والا تبار، توای حکیم و بزرگوار، توای هم پیمان سلمان و ابوذر و عمار، توای همکیشم که در هر چیزی که از ایران نام و نشان دارد، ستاره عظمت تو بر پیشانی آن درخشان است، توای پرتوان و استوار که مصیبت‌های ناشی از غلبه اسکندر و ترکتازی مغول و بیداد و فتنه‌انگیزی روسیه تزاری و بلای آمدن قوای متفقین بخانه‌ات ناگهان، و صدها چون این مصائب را خرد کرده و بیاد عدم داده‌ای.

هم اکنون ای همفکر و هم‌آرزوی من، خیر و نیکبختی دنیا و آخرت، بخانه‌ات سنگر کرده، نقل نبوت و سنگینی رسالت گسترش اسلام و زمینه‌سازی جهانشمولی ساختن حکومت «الله» را بر دوش نیرومند خویش گرفته‌ای، تو در راه خداوند متعال، هیچکس را جز اونمی شناسی پس توجه‌وی و هدف تو که حکومت جهانشمولی الله است؛ پس تو ظلمی این تو و هم کیشان تواند که در این آیه می‌خوانی که امانت دارید:

«انا عرضنا الامانه علی السماوات و الارض و الجبال فاین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا». فرشتگان، خدمتگزار و الله یارت باد. ادامه دارد

۱. نام منطقه‌ای است در مکزیک نو که نخستین آزمایش بمب اتمی بموسیله استیسن وزیر جنگ آمریکا در این منطقه انجام گرفت و در ساعت ۱۷ و پانزده دقیقه روز پنجم اوت بمب بزرگی بدستور ثرومن بر روی هیروشیما پرتاب شد و روز نهم اوت بمب اتمی دیگری بر روی ناگازاکی رها نمودند.

۲. در المتن، ج ۶ من ۲۱۵.

۳. تحف العقول من ۳۳.